



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۰۱

نصیبه اکرم حیدری

بررسی گفتگوی جناب داود ملکیار

به نام خداوند بخشنده و مهربانی که سخن حق را ستود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا** " به بررسی گفتگوی جناب داود ملکیار با جناب نصیر آرين می پردازم؛ گفتگوی که در آن، حقیقت بیش از هر چیز قربانی روایت سازهایی کینه توزانه و مغرضانه یک جعل کار تاریخ شده است.

سالهاست این شایعه ساز قرن با دشمنی سرسختی که از به زندان انداختن پدر شان برمیخیزد، و آن اینکه جناب سلام ملکیار بنابر سهم شان در یک کودتای زندانی گردید، در پی آنست که به شخصیت پاک شهید محمد داود ضربه ای وارد نماید. و اینک هوش مصنوعی این توانمندی را بعد سالهای زیادی انتظار به وی اهدا نمود. روشن نیست که چه اندازه این گفتار از شخص گلالی جان ملکیار است و چه اندازه به کمک هوش مصنوعی تهیه گردیده؟ اینرا به وضاحت میتوان بیان نمود که این صدا از مرحومه گلالی جان نیست. حق را نمیتوان پنهان نمود و تاریخی را که رهبری با خون خود و فرزندان عزیزش سازنده آنست با چرند رنگ نمود.

این مصاحبه معیاری نه، بلکه استتقاق از فردی ایست که به ارتکاب جرمی متهم بوده و مستنطق دشمن کینه توزیست که با زبان عجولانه اش جملات و کلمات را به مجرم ترزیق مینماید

در مرحله آغاز سوال اینست که تلویزیون بهار " این صدای باند پرچم و خبرنگاران این گروه که هیچکدام سند خبرنگاری بدست ندارند از قانون خبرنگاری چه میدانند؟ باید از این جمع بیخبر پرسید که از شکایت مدنی، جریمه و مجازات قانونی، پیگرد توسط نهاد های ناظر بر رسانه و آسیب به اعتبار حرفه ای آگاه اند؟ بدون شک که از معامله قانونی بیخبر اند.

بر اساس اصول اخلاق حرفه ای خبرنگاری و در بسیاری از نظام های رسانه ای غرب، نشر یک مصاحبه صوتی یا تصویری مستلزم رضایت آگاهانه مصاحبه شونده است، به خصوص اگر مصاحبه در فضای خصوصی انجام شده باشد یا توافقی برای انتشار آن وجود نداشته باشد. انتشار چنین محتوایی بدون رضایت می تواند از نظر اخلاقی نادرست و در برخی حوزه های قضایی حتی مغایر قانون باشد. آیا تلویزیون چپی بهار این رضایت نامه را بدست دارند و آماده معامله قانونی اند؟

• اگر مصاحبه به طور رسمی برای پخش رسانه ای انجام شده و فرد از ابتدا از این موضوع آگاه بوده باشد، معمولاً همان رضایت اولیه کافی است .

• اگر فایل صوتی خصوصی باشد یا خارج از هدف اولیه منتشر شود، معمولاً رضایت مجدد یا صریح در نوشته لازم است . و درین گفتگو درخواست میشود که "اینرا نوشته نکنی" و این خبط کفر مسلکی ایست.

• قوانین درباره ضبط و انتشار مکالمات در کشورهای مختلف و حتی ایالت های مختلف (مانند ایالت های امریکا) تفاوت دارد؛ بنابراین علاوه بر اصول اخلاقی، قانون محل انتشار نیز اهمیت دارد.

قبل از اینکه من نکات عمده این ساخته داود ملکیار را مورد بررسی قرار دهم از خوانندگان محترم تقاضا دارم تا لینک دو نوشته محترم داود غازی نواسه شهید محمد داود و میرمن هما داود عثمان همسر خالد داود شهید را که هردو شاهدان زنده این کشتار بیرحمانه که در سال 2023 در پورتال افغان جرمن آنلاين به نشر سپرده شده مطالعه فرمایند.

[https://www.afghan-](https://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/osman_daud_h_ba_janwabe_malekyar.pdf)

[german.net/upload/Tahlilha_PDF/osman_daud_h_ba_janwabe_malekyar.pdf](https://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/osman_daud_h_ba_janwabe_malekyar.pdf)

[https://www.afghan-](https://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/ghazi_d_masuliat_man_dar_baraber_khanawad_a.pdf)

[german.net/upload/Tahlilha_PDF/ghazi_d_masuliat_man_dar_baraber_khanawad_a.pdf](https://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/ghazi_d_masuliat_man_dar_baraber_khanawad_a.pdf)

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

باید خاطر نشان سازم که من قصه این سحرگاه خونین را از زبان بی بی زهره جان مرحوم خانم شهید نعیم خان و شخص بی بی گلالی جان شنیده ام.

https://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/akram_haidari_ba_jawab_malikyar.pdf

عنوان مصاحبه "ویس قهرمان به هدایت سردا محمد داود همه اعضای خانواده خود را به شهادت میرساند" چگونه ممکن است شهید محمد داود خان فرمان کشتار اعضای خانواده اش را صادر کرده باشد؟ کدام پدر، با هر میزان قدرت و استواری، حاضر می شود مرگ فرزندان و عزیزترین کسان خود را خود هدایت دهد؟ چنین ادعایی نه با منطق انسانی سازگار است، نه با عاطفه پدری و نه با شخصیت کسی که در سراسر زندگی اش به مهر، مسئولیت پذیری و تعهد نسبت به خانواده و وطن شناخته می شد. شهید محمد داود خان، از دیده شخص من، خانواده و نزدیکانش شخصیتی ایست با قلبی آکنده از شفقت، محبت، احساس مسئولیت و عشق به مردم و وطن. او که با عقیده راسخ و ایمان کامل با قرآن در بغل زندگی کرد، چگونه می توانست امر کشتار فرزندان را بدهد؟ "ویس قهرمان": درین گلوله باران خونین چگونه ویس توانست فرصت این همه صحبت را دریابد؟ در حالیکه او به قول مصاحبه دهنده در پیش دروازه قرار داشت و گلوله باران دفعتاً آغاز گردید؟

به قول داود غازی "پدر کلان من مرد عقیده و ایمان بود که با انتخاب شجاعت و مقاومت، مرگ خود و هر عضو خانواده را بر تسلیم شده به دشمن ترجیح دادند. وقتی به امام الدین میگوید: "من جز به خدا به کسی تسلیم نمی شوم" من میدانستم که ایشان با کلمات بازی نمی کردند و وقت تیر باران رسیده بود که من شروع به دویدن کردم و زخمی شدم."

از مرحومه گلالی داود بگویم که بعد از دیدار های من از ایشان در افغانستان و بعداً بار بار و به تکرار در سفر هایم به امریکا از ایشان دیدن نمودم: ایشان شخصیت در نهایت آرام، با تمکین که در سخت ترین حالات از زیانش حرف ناشایسته نشنیده ام. ولی مشکل شدید روانی این خانم باهمت را همه میدانند. زخم خونین او را به مشکل شدید روانی سردچار نموده بود. آخرین باری که در واشنگتن دیدن شان رفتم نوشته کوتاهی را روی میز دیدم و خواندم که خودش با رسم الخط بس زیبای خودش نوشته شده بود: "مادرک! مرا ببخش که دیر شده دیدنت نیامده ام. بزودی خواهم آمد. میبوسمت... دخترت غزال" در حالیکه غزال او سالها قبل جام شهادت را نوشیده بود.

بی بی گلالی جان مرحومه در وقتی که به قول داود ملکیار با وی صحبت نموده آنقدر مریض بودند که دو روز مسلسل را در زمستان سخت واشنگتن در حمام بیهوش مانده بودند. در پیر خانه ای که زندگی میکردند، از آنروز به بعد نرسی را وظیفه دار نمودند که داخل خانه از ایشان مواظبت نمایند. او چگونه حوصله این گفتگوی طولانی را داشت؟

ولی در وقت برآمدن از وطن که حالت صحی بهتری داشتند با جریده مجاهد ولس مصاحبه ای انجام داده اند که محترم داکتر سید عبدالله کاظم آنرا به جواب ملکیار به تاریخ 17 سپتامبر 2023 در پورتال افغان جرمن آنلاین به نشر سپردند.

https://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/kazem_sa_gulalai_interview_olosmal1.pdf

سوال درخور جواب اینست که انسانی وقتی چندین مرمی به وجودش اصابت نموده باشد، چگونه ممکن است اوضاع دور و بر خویش را اینگونه با بیداری به حافظه بسپارد و هر طرف را در حالی دیده بتواند که خود بر فرش زمین جا دارد؟

نکات ذیل را درین تحقیق قابل بررسی میدانم:

الف: جملات "اکبر نالایق" (اشاره به رئیس دفتر شهید محمد داود) "تیمورشاه که دو پیسه آدم نبود" (اشاره به برادر شاه خانم) از سبک گفتار این بزرگ زن نجیب بس بدور است. دوم اینکه احترام گلالی جان در برابر شهید بی بی زینب جان خانم شهید محمد داود در حدی بود که غیر از بی بی جان در برابرش کلامی نداشت ولی درین گفتگو تقلید میگیرد که: "فرقه مشر". مگر این تکرار صدای شرارت درون نیست؟

ب: "مریم جان و عزیز جان موتر شان پیش افغانستان بانک مرمی خورد". در طول تاریخ این رفتگان همچو حادثه ای رخ نداده.

ت: " هیله به شکم مرمی خورده بود" من گفتم پایت را بالا کن". نه ! بی بی گلالی جان برای شخص خودم گفت که: هیله به شکم مرمی خورد و من برایش گفتم که سرت را بلند بگیر تا مرمی ها به قلب ات اصابت کند. و همین باعث شد که گلالی جان در شفاخانه دست به خودکشی زد که زخمی های دیگر زنده ماندند و هیله نیز میتوانست ازین حادثه زنده بماند و او خود باعث شده هیله به کام مرگ فرورود.

ث: "به ویس گفتم " هیله را بکش" و باز میگویند: "ویس از لخم دروازه فیر میکرد نزدیک نبود". باز میگوید: که ویس گفت "گلالی جان من تصمیم خود را گرفته ام"، و بار دیگر میگوید ویس در لخم دروازه بود دفعتاً فیر ها شروع شد و ویس که برما فیر مینمود خود مرمی خورد.

ج: "ویس زرلشت را زد.... به خیالم". در حالیکه به قول بی بی زهره جان خاتم شهید محمد نعیم خان زرلشت شهید تا آخرین نفس نزد پدر ماند و وقتی امام الدین اسلحه اش را کشید، زرلشت خود را سپر پدر نمود و شهید شد. جسد وی را در کنار پدر یافتند.

چ: "کریم ناظر لباس های داود خان را آماده میساخت". نه این خدمتکار درویش خان بود که امور داخل خانه را رسیدگی مینمود.

ح: بی بی گلالی جان در غیاب شهید محمد داود را "بابه داود" خطاب مینمودند. من هیچگاهی صدراعظم صاحب را جز این گفتگو از زبان ایشان نشنیده ام.

در پایان، قضاوت را به وجدان بیدار خوانندگان، پژوهشگران و تاریخ نگاران منصف می سپارم. آنچه در این نوشتار بررسی شد، از دیدگاه من نشان می دهد که روایت ارائه شده در این فایل صوتی با پرسش های جدی درباره اصالت، اعتبار و شیوه تنظیم آن روبرو است و با بسیاری از اسناد، شهادت های شاهدان عینی و روایت های ثبت شده برابری ندارد. از همین رو نه تنها که، این روایت را نمیتوان به عنوان یک سند معتبر تاریخی پذیرفت، بلکه میتوان شایعه سازی حساب نمود.

تاریخ افغانستان با خون هزاران انسان، از جمله خانواده با همت و وفادار به وطن و ملت افغانستان شهید محمد داود، نوشته شده است و هیچ فرد یا رسانه ای حق ندارد با روایت های محل تردید، حافظه تاریخی یک ملت را دستخوش تفسیرهای شخصی سازد. حقیقت را نمیتوان با تکرار یک ادعا، جهت دهی به پرسش ها یا انتشار مطالبی که پیرامون اصالت و شیوه تهیه آنها شک وجود دارد، دگرگون کرد. حقیقت، هرچند دیر، سرانجام خود را بر تحریف، تبلیغات و روایت های یک جانبه تحمیل خواهد کرد.

قرآن کریم مؤمنان را به «قول سدید» فرا می خواند؛ سخنی که بر پایه صداقت، عدالت و مسئولیت باشد. هرکس در برابر تاریخ، افکار عمومی و وجدان خویش مسئول است و روزی باید پاسخگوی سخنی باشد که اگر بیان نموده، نوشته یا منتشر کرده است. ازاینرو، حفظ حرمت حقیقت، رعایت اصول اخلاقی و امانت داری در نقل تاریخ، وظیفه ای است که هیچ رسانه، نویسنده یا گوینده ای نباید از آن غفلت ورزد؛ زیرا حقیقت را میتوان برای مدتی پنهان کرد، اما هرگز نمیتوان آن را برای همیشه پنهان نگهداشت.

با چنین بازی هایی که از شرافت، نجابت و اصول اخلاقی بسی دور است، نمیتوان بر شخصیت یک رهبر وطنپرست، مردم دوست و وفادار به میهن خدشه ای وارد نمود، برعکس، اینگونه شایعات و تلاش ها برای تحریف تاریخ، نه تنها که از جایگاه او نمی کاهد، بلکه نام بزرگش را در حافظه تاریخ بزرگ تر، درخشان تر و ماندگارتر می سازد؛ زیرا حقیقت، هرگز در برابر غوغای تحریف و تهمت شکست نمی خورد و سرانجام راه خود را به سوی وجدان بیدار تاریخ می گشاید.